

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
گروه مشاوره

پایان نامه تحصیلی جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده

عنوان :

رابطه کیفیت زندگی و جهت گیری مذهبی با اضطراب مرگ

استاد راهنما:

دکتر حسین سلیمی

استاد مشاور:

خانم دکتر معصومه اسمعیلی

استاد داور:

دکتر احمد اعتمادی

دانشجو:

علیرضا کریمی وکیل

شهریور ۹۱

پروردگارا! ..

کلمه کن تا دانش اندکم نه زردبانی باشد برای تکبر و غرور، نه حلقه ای برای اسارت و نه دست مایه ای برای تجارت ..

بلکه گامی باشد برای تجلیل از تو و متعالی ساختن زندگی خود و دیگران

پدر بزرگوارم ...

مادر مهربانم ...

همسر مهربانم ...

و تمام کسانی که در راه اعتلای اندیشه های بشر، قدمی هر چند کوچک بر می دارند.

پاس از خداوند متعال که عشق را به بندگانش هدیه داد.

استادکانات که این کارخانه ساخت مقصود عشق بود و جهان را بهانه ساخت

و

باشکر از استاد کرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر حسین سلیمی بختانی که راهنمای این پایان نامه بودند

و

و همچنین شکر از استاد محترم و کرامت‌دار خانم دکتر معصومه اسمعیلی که زحمت مشاوره این پایان نامه با ایشان بود

و

شکر از استاد ارجمند و کرامت‌دار جناب آقای دکتر احمد اعتمادی که زحمت داوری این پایان نامه را داشتند.

چکیده:

هدف این پژوهش بررسی رابطه کیفیت زندگی و جهت گیری مذهبی با اضطراب مرگ در افراد باسواد بالای ۴۰ سال شهر همدان بود. این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی و از نوع همبستگی است. برای دسترسی به نمونه پژوهش، از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد و حجم نمونه در این پژوهش ۲۵۰ نفر (مرد و زن) بودند. پس از گردآوری داده ها هر یک از فرضیه های پژوهش، به صورت توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، سپس از این یافته ها نتیجه گیری به عمل آمد. برای گردآوری داده ها از سه پرسشنامه استفاده شد که عبارتند از: مقیاس اضطراب مرگ تمپلر (۱۹۷۰)، مقیاس جهت گیری مذهبی آلپورت (۱۹۶۳) و پرسشنامه کیفیت زندگی SF۳۶. نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان داد که بین کیفیت زندگی و جهت گیری مذهبی درونی در سطح ۰/۰۵ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، همچنین بین کیفیت زندگی و جهت گیری مذهبی بیرونی در سطح ۰/۰۵ رابطه منفی و معکوسی وجود دارد. بین جهت گیری مذهبی درونی و اضطراب مرگ رابطه ای وجود نداشت اما بین جهت گیری مذهبی بیرونی و اضطراب مرگ در سطح ۰/۰۵ رابطه مستقیم و معناداری وجود داشت. علاوه بر این، بین کیفیت زندگی و جهت گیری مذهبی درونی با اضطراب مرگ در سطح ۰/۰۵ رابطه منفی و معناداری وجود داشت. بنابراین از یافته های این پژوهش می توان نتیجه گرفت که داشتن جهت گیری مذهبی درونی و کیفیت زندگی بالا با اضطراب مرگ کمتر همراه است.

کلید واژه ها: اضطراب مرگ، کیفیت زندگی، جهت گیری مذهبی، جهت گیری مذهبی درونی، جهت گیری

مذهبی بیرونی.

فهرست مطالب:

فصل اول: کلیات پژوهش

مقدمه	۱
بیان مسئله	۳
اهمیت و ضرورت پژوهش	۶
فرضیه های پژوهش	۷
تعاریف مفهومی و عملیاتی واژه ها و اصطلاحات	۸
تعریف نظری متغیرها	۸
تعریف عملیاتی متغیرها	۹

فصل دوم: ادبیات پژوهش

اضطراب مرگ	۱۱
ابعاد اضطراب مرگ	۱۲
مرگ از دیدگاه مذهب	۱۹
مرگ از دیدگاه مکاتب روانشناسی	۲۱
پژوهش های انجام شده درباره اضطراب مرگ در داخل کشور	۲۴
پژوهش های انجام شده درباره اضطراب مرگ در خارج از کشور	۲۶
جهت گیری مذهبی	۲۸
دیدگاه ها درباره جهت گیری مذهبی و دین	۲۹

۳۴ پژوهش های انجام شده درباره جهت گیری مذهبی.....
۳۶ کیفیت زندگی و دیدگاه های نظری درباره آن.....
۳۹ ابعاد کیفیت زندگی.....
۴۰ عوامل موثر بر کیفیت زندگی.....
۴۲ شیوه های بهبود کیفیت زندگی.....
۴۳ پژوهش های انجام شده درباره کیفیت زندگی.....

فصل سوم: روش شناسی پژوهش

۴۷ روش پژوهش.....
۴۷ جامعه پژوهش.....
۴۷ نمونه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه.....
۴۸ ابزارهای گردآوری داده ها.....
۴۸ مقیاس اضطراب مرگ تمپلر.....
۴۹ پرسشنامه کیفیت زندگی SF۳۶.....
۵۰ مقیاس جهت گیری مذهبی آلپورت.....
۵۱ روش تجزیه و تحلیل داده ها.....
۵۲ فرآیند اجرای پژوهش.....

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

بخش اول: آمار توصیفی ۵۴

بخش دوم: آمار استنباطی ۵۷

آزمون فرضیه اول ۵۷

آزمون فرضیه دوم ۵۸

آزمون فرضیه سوم ۵۹

آزمون فرضیه چهارم ۶۰

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

تحلیل و تبیین فرضیه اول ۶۳

تحلیل و تبیین فرضیه دوم ۶۵

تحلیل و تبیین فرضیه سوم ۶۷

تحلیل و تبیین فرضیه چهارم ۶۹

محدودیت های پژوهش ۷۰

پیشنهادات پژوهشی ۷۱

پیشنهادات کاربردی ۷۱

منابع:

منابع فارسی ۷۲

منابع انگلیسی ۷۷

پیوست ها:

پیوست ۱: پرسشنامه اضطراب مرگ ۸۱

پیوست ۲: پرسشنامه کیفیت زندگی ۸۳

پیوست ۳: پرسشنامه جهت گیری مذهبی ۸۶

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: "كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ" (آل عمران، ۱۸۵) هر نفسی چشنده [طعم] مرگ است؛ بنابراین قانون کلی مرگ بر تمامی اشخاص انسانی بدون استثنا نگاشته شده است و جاودانگی در این دنیا رؤیایی بیش نیست؛ طبیعت کنونی نیز اشخاص انسانی را در خود نگه نمی دارد. در داخل طبیعت، قانونی که حاکم بر قانون مرگ باشد و بر آن فائق آید وجود ندارد. مرگ از مقتضیات وجودی انسان است و حقیقتی است که در محدوده جان آدمی رخ نشان می دهد و فرار از آن به بن بست می رسد (سعیدی مهر و دیوانی، ۱۳۸۵).

از طرفی هم، انسان موجودی "مرگ آگاه" است؛ یعنی از پیش می داند که زندگی کنونی وی ناپدار است و بقا ندارد، و در می یابد که عوامل مرگ آن چنان فراوان و زندگی او به قدری ضربه پذیر است که ادامه هستی اش به معجزه شبیه است. معنادار شدن زندگی برای او جز از رهگذر معناداری مرگ ممکن نیست و این موجود آرزومند بقا جز از این مسیر به یکپارچگی وحدت و آرامش دست نمی یابد. آدمی دریافته است که مرگ و زندگی از اختیار او بیرون است (سعیدی مهر و دیوانی، ۱۳۸۵). از این رو از آغاز تمدن بشر اندیشیدن به مرگ نقش مهمی در زندگی انسان ایفا نموده است. به عقیده فیفل^۱ (۱۹۹۰) "از آغاز ثبت تاریخ بشری حقیقت مرگ و محدودیت بشر در این زمینه به عنوان نگرانی قوی و نیروی تکان دهنده در آمده است و بسیاری آن را یکی از ناخوشایندترین مشخصات بشر و ناتوانی وی در برابر آینده و مرگ می دانند." اگر چه مرگ یک واقعیت بیولوژیکی و روانشناختی بوده و احساسات در مورد فرآیند مرگ و مردن ریشه در چگونگی اجتماعی شدن فرد در جامعه دارد، اما اندیشیدن به مرگ ترسناک بوده و اغلب مردم ترجیح می دهند به آن فکر نکنند چرا که مرگ آسیب پذیری بشر را علی رغم پیشرفت های تکنولوژیکی یادآوری می کند و اضطراب مرگ و ترس از مرگ تجربه ناخوشایند و رایج انسانها است (آقاجانی، ولیی، و طل، ۱۳۸۹).

در حقیقت، اضطراب واکنشی در برابر خطری نامعلوم، درونی، مبهم و از نظر منشاء ناخودآگاه و غیر قابل کنترل بوده و عوامل متعددی آن را ایجاد می کند. در این میان انواع خاصی از اضطراب بر اساس منشاء آن شناخته و نامگذاری شده اند که اضطراب مرگ یکی از مهمترین آنها است. "اضطراب مرگ"^۲ مفهومی چند بعدی بوده و تعریف کردن آن امری دشوار است و اغلب به عنوان ترس از مردن خود و دیگران تعریف می شود؛ به بیانی دیگر "اضطراب مرگ" شامل پیش بینی مرگ خود و ترس از فرآیند مرگ و مردن در مورد افراد مهم زندگی است (جیر^۳، ۲۰۰۲).

^۱. Feifel, H.

^۲. death anxiety

^۳. Gire, T.

اضطراب مرگ متفاوت از بسیاری از اضطراب های دیگر است . بسیاری از موضوعات هراس انگیز ممکن است هرگز اتفاق نیفتند، برای مثال افرادی که از پرواز می ترسند خیلی بعید است که قربانی سقوط هواپیما شوند یا افرادی که از سگ ها می ترسند بعید است که به وسیله سگ مجروح شوند . اما باید توجه داشته باشیم که همه ما روزی خواهیم مرد (فرر، والکر و استین^۴، ۲۰۰۷)؛ و احتمال مرگ حقیقتی انکار ناپذیر برای همه مردم در همه زمانها بوده است و همه درجاتی از اضطراب را، نسبت به آن دارند، به طور مثال مطالعات نشان داده اند که ۲۹/۶ بیماران مبتلا به صرع، ۶۹ درصد مشاوران اضطراب مرگ متوسط و بالا را تجربه کرده و در کشور ما نیز ۵۵/۷ درصد کارکنان بیمارستان اضطراب مرگ بالا را گزارش کرده اند؛ اما گروههای خاصی در جامعه به دلایل مختلف بیشتر با این پدیده در تماس هستند، به طور مثال با توجه به افزایش جمعیت سالمندان و مراکز مراقبتی بیماران مراحل آخر حیات خود را می گذرانند ممکن است اضطراب مرگ بیشتری را تجربه کنند (آقاجانی، ولیئی، و طل، ۱۳۸۹).

مطالعات نشان می دهد که اضطراب مرگ با اضطراب عمومی، افسردگی عمومی، افسردگی ناشی از مرگ، همچنین، سن، جنس، مذهب، سلامت فیزیکی رابطه دارد اما در مورد نوع رابطه آنها، به طور مثال ارتباط بین سن و اضطراب مرگ موارد متناقضی گزارش شده است برخی از مطالعات ارتباط صعودی و مستقیمی بین اضطراب مرگ و افزایش سن را گزارش کرده اند اما در مطالعات دیگر این ارتباط به صورت منحنی بوده و با بالا رفتن سن افزایش پیدا کرده و سپس در میانسالی به اوج خود رسیده و سپس میزان آن کاهش پیدا کرده است (وگنر و لراین^۵، ۱۹۹۴).

با نظر به توضیحات فوق در می یابیم که اضطراب مرگ در میان افراد گوناگون جامعه وجود دارد و این اضطراب، به گونه ای است که ممکن است زندگی آنها را تحت تأثیر قرار دهد و دچار انواع گوناگونی از اختلالات نماید. از میان گروه های مختلف جامعه، میانسالان به خاطر پشت سر گذاشتن دوران جوانی و با داشتن تجربیات گوناگون پی برده اند که در این دنیا نمی توان بیش از چند صباحی زنده ماند و گاهی از اوقات نیز به مرگ خود و یا دیگران می اندیشند، از این رو تصمیم گرفته شد تا پژوهشی در این زمینه بر روی افراد بالای ۴۰ سال انجام شود. از طرفی هم با توجه به فرهنگ مذهبی جامعه و متأثر بودن زندگی افراد از مذهب و فرهنگ مذهبی جامعه، در این پژوهش تصمیم گرفته شد تا رابطه میان کیفیت زندگی و جهت گیری مذهبی با اضطراب مرگ بررسی شود.

⁴ Furer, P., Walker, J. R. & Stein, M.

⁵ Wagner, K. D. & Lorian, R. P.

بیان مسئله

اضطراب مرگ "حالتی است که در آن فرد دلهره، نگرانی و یا ترس مرتبط با مرگ و مردن را تجربه می کند" (کارپنی تو- مایت^۶، ۲۰۰۸، به نقل از لتو و استین^۷، ۲۰۰۹). اضطراب مرگ به عنوان یک ترس غیر عادی و بزرگ از مرگ است که همراه با احساساتی همچون وحشت از مرگ یا دلهره به هنگام فکر کردن به فرآیند مردن یا چیزهایی که پس از مردن رخ می دهد (رایس^۸، ۲۰۰۹).

فایرستون و کتلت^۹ (۲۰۰۹) اضطراب مرگ را اینگونه تعریف می کنند، اضطراب مرگ عموماً به عنوان احساس ناراحتی توأم با ترسی که معطوف به مرگ خود یا دیگران است و با در نظر گرفتن مرگ به عنوان پایان حیات یا تجسم مراسم تدفین و جسد برانگیخته می شود و بکر^{۱۰} (۱۹۷۳)، دیدگاه هستی گرایانه درباره مرگ را با تصدیق کردن اضطراب مرگ به عنوان پدیده ای واقعی، تایید می کند. او کارکردهای احتمالی اضطراب مرگ را با دیدگاهی جامعه شناختی درباره چگونگی انکار فعالانه اضطراب مرگ بیان می کند. بکر اذعان می کند که اضطراب مرگ احساس نگرانی برای هستی فرد در زندگی روزمره است که تلاش می کند تا به انواعی از ترس ها (مانند بیماری، تروریسم) تعمیم دهد تا ترس از مرگ را کاهش دهد.

همچنین، از طرف دیگر آگاهی از مرگ غیر قابل گریز بوده و اضطراب همراه آن به رفتارهای گوناگونی منجر می شود، به عبارت دیگر وقتی مردم با اضطراب مرگ روبرو می شوند واکنشهای متفاوتی از خود نشان می دهند (پزینسکی، گرینبرگ و سولومون^{۱۱}، ۱۹۹۷ به نقل از قربانعلی پور و دیگران، ۱۳۸۸). یعنی، اضطراب مرگ یک اضطراب واقعی و یکی از مهم ترین مؤلفه ها در سلامت روانی افراد است. دیدگاه رفتارشناسی طبیعی نیز در تبیین اضطراب تعمیم یافته، مرگ را به منزله تهدید کننده ارگانیزم و از عوامل مؤثر بر آن می داند

⁶. Carpenito-Moyet, L. J.

⁷. Lehto, R. H. & Stein, K. F.

⁸. Rice, J.

⁹. Firestone, R. & Catlett, H.

¹⁰. Becker, E.

¹¹. Pyszczynski, T., & Greenberg, J. & Solomon, S.

(علیانسب، ۱۳۸۹). این اضطراب، نوعی از اضطراب است که انسانهای زنده آنرا تجربه می کنند و می تواند سلامتی وجودی فرد و مخصوصاً کارکرد سلامت روانی او را تحت تاثیر قرار دهد (هالتروف^{۱۲}، ۲۰۱۰).

از طرفی هم توجه به مسأله جسمانی و روانی میانسالان با روند افزایشی جمعیت این گروه روبه گسترش است و پرداختن به متغیرهای مرتبط با سلامت جسمانی و روانی این افراد از اهمیت فراوانی برخوردار است. یکی از این مسائل اضطراب مرگ است که ممکن است دغدغه ای مهم در زندگی آنها باشد، از طرف دیگر تحقیقات نشان می دهد که دین و جهت گیری مذهبی با اضطراب رابطه دارد، برای نمونه علیانسب (۱۳۸۹) در تحقیق خود نشان داد که بین دین داری و اضطراب مرگ در بین دانشجویان و طلاب شهر قم رابطه عکس وجود دارد؛ از متغیرهای دیگری که با زندگی میانسالان و اضطراب مرگ مرتبط است کیفیت زندگی آنان است، در اهمیت کیفیت زندگی می توان گفت که از دهه گذشته ارتقاء سلامتی و پیشگیری از بیماری ها در کانون توجه قرار گرفته است، تا حدی که سازمان بهداشت جهانی^{۱۳} بهبود و تداوم سبک زندگی سالم را بخشی از شعار خود در سال ۲۰۰۰ قرار داد (ماتین و مک نیل^{۱۴}، ۲۰۰۹ به نقل از قربانعلی پور، ۱۳۸۹).

روی آوری محققین به مذهب و مطالعه روانشناختی آن در دهه های اخیر روز افزون شده است پژوهش های متعدد نشان می دهند که مذهب و سلامت روانی و حتی جسمانی با یکدیگر رابطه ای مستقیم دارند. برای نمونه کجباف و رئیس پور (۱۳۸۷) در پژوهش خود به بررسی رابطه نگرش مذهبی و سلامت روانی پرداختند که یافته ها نشان داد که بین نگرش مذهبی و سلامت روان رابطه مستقیم و همچنین بین نگرش مذهبی و اضطراب و اختلال در کارکرد اجتماعی رابطه منفی در سطح معناداری $P < 0.05$ رابطه وجود دارد.

در زمینه اضطراب به عنوان یک اختلال شایع روانی مطالعات نشان می دهند که شرکت در مراسم مذهبی اضطراب را کاهش می دهد و مذهب به طور کلی بر سلامت روانی تاثیر مثبتی دارد (جان بزرگی، ۱۳۸۶)؛ بیانی و همکاران (۱۳۸۷) به بررسی رابطه جهت گیری مذهبی با اضطراب و افسردگی در دانشجویان پرداختند که یافته های آنان نشان داد که بین جهت گیری مذهبی دانشجویان با اضطراب و افسردگی آنها رابطه معکوسی وجود دارد و با

¹². Hoelterhoff, M.

¹³. World Health Organization

¹⁴. Martin, J. & McNeil, D.

افزایش جهت گیری مذهبی دانشجویان، افسردگی و اضطراب آنها کاهش یافت. ولی هنوز تحقیقات در این زمینه نیازمند غنای بیشتری است.

از طرف دیگر کیفیت زندگی¹⁵، نیروی قدرتمندی در راستای هدایت، حفظ و پیشبرد سلامت و تندرستی در جوامع و فرهنگ های مختلف است. سازمان بهداشت جهانی چهار بعد سلامت جسمی، روانی، روابط اجتماعی و محیط زندگی را برای کیفیت زندگی در نظر گرفته است (شهرکی ثانوی و همکاران، ۱۳۹۰). بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت، کیفیت زندگی درک افراد از موقعیت شان در زندگی در زمینه فرهنگی و سیستم های ارزشی که در آن زندگی می کنند، است و با درک آن ها از اهداف، انتظارات، استانداردها و علایق شان در ارتباط است. کیفیت زندگی یک مفهوم با محدوده وسیع است که با شیوه ای پیچیده تحت تأثیر سلامت جسمانی، وضعیت روان شناختی، میزان عدم وابستگی و روابط اجتماعی فرد و روابط وی با محیط اطرافش قرار دارد (ندریان و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین کیفیت زندگی یک شاخص اساسی در زندگی محسوب می شود و از آنجا که ابعاد متعددی مانند جنبه های فیزیوژنیک، عملکرد و وجود فرد را در بر می گیرد، توجه به آن از اهمیت خاصی برخوردار است (رامبد و همکاران، ۱۳۹۰؛ پورکاخرکی و همکاران، ۱۳۸۸).

در همین راستا ندریان و همکاران (۱۳۹۰)، به بررسی رابطه بین کیفیت زندگی، وضعیت سلامت و رفتارهای خود مراقبتی در بیماران مبتلا به آرتریت روماتوئید پرداختند که یافته های آنها نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری در سطح ($P < 0/01$) بین کیفیت زندگی و وضعیت سلامت و رفتارهای خود مراقبتی وجود دارد و وضعیت سلامت و رفتارهای خود مراقبتی مجموعاً ۷۵/۸ درصد از واریانس کیفیت زندگی را پیش بینی نمودند.

از همین رو، در پژوهش حاضر نیز از آنجا که اضطراب مرگ، یکی از ابعاد مهم وجودی آدمی است و میانسالان از جمله افرادی هستند که به آن اهمیت می دهند، سعی بر آن است تا رابطه کیفیت زندگی و جهت گیری مذهبی با اضطراب مرگ مورد بررسی قرار گیرد و مشخص گردد که آیا بین کیفیت زندگی و جهت گیری مذهبی با اضطراب مرگ رابطه وجود دارد؟

¹⁵. quality of life

اهمیت و ضرورت پژوهش:

اضطراب مرگ حالت افسرده واری است که فشار روانی و نگرانی به دلیل مرگ و ترس از آن، از نشانگان مهم آن بشمار می آیند. این شکل از اضطراب که شایسته مطالعه و درک است، نخستین بار در عقاید سورن کی پرکگارد^{۱۶}، فیلسوف دانمارکی توصیف شد. وی اضطرابی کلی را درباره شرایط زندگی مطرح کرد که در زمان حاضر «اضطراب وجودی»^{۱۷} نام گرفته است و در پرسش‌هایی همچون «به کجا می روم؟»، «که هستم؟»، «می‌خواهم با زندگی ام چه کنم؟»، «آیا مرگ پایان همه چیز است؟» تجلی می‌یابد. دل مشغول داشتن به این پرسش‌ها، در حدی معین، جزء جدایی ناپذیر زندگی بشر است و روان رنجوری و نابهنجاری نیست؛ اما اگر این افکار، افراد را بیشتر مضطرب و افسرده کند و به منزله شاخص بیماری روانی مشاهده شود، نابهنجاری است و باید بدان توجه کرد (علیانسب، ۱۳۸۹)؛ همچنین از آنجا که همه درجاتی از اضطراب را، نسبت به آن دارند، به طور مثال مطالعات نشان داده اند که ۲۹/۶ بیماران مبتلا به صرع، ۶۹ درصد مشاوران اضطراب مرگ متوسط و بالا را تجربه کرده و در کشور ما نیز ۵۵/۷ درصد کارکنان بیمارستان اضطراب مرگ بالا را گزارش کرده اند (آقاجانی، ولیئی، و طل، ۱۳۸۹)؛ لزوم توجه بیشتر را طلب می کند.

همچنین اهمیت توجه به اضطراب مرگ در میانسالان و تاثیر آن بر روی زندگی این افراد ضروری است، بنابراین می بایست پژوهش‌هایی در این زمینه انجام گیرد، و با شناسایی عوامل مؤثر و مرتبط با اضطراب مرگ از آنها برای کاهش اضطراب مرگ و در نتیجه آن افزایش سلامتی آنان بهره گرفت. با توجه به فرهنگ مذهبی جامعه پژوهش و تاثیر آن بر روی زندگی آنها و نیز اینکه پژوهشی در مورد رابطه کیفیت زندگی با اضطراب مرگ میانسالان انجام نشده است، محقق تصمیم گرفت که به بررسی رابطه کیفیت زندگی و جهت گیری مذهبی با اضطراب مرگ بپردازد. در واقع با بررسی رابطه کیفیت زندگی و جهت گیری مذهبی با اضطراب مرگ میانسالان مشخص خواهد شد که آیا این عوامل با اضطراب مرگ ارتباط دارند و در صورت داشتن رابطه می توان از آنها برای برداشتن گامهای عملی در کاهش این نوع از اضطراب استفاده نمود.

بنابراین، اهم دلایل بررسی این موضوع:

¹⁶. Kierkegaard, S.

¹⁷. existential anxiety

۱. خلاء موجود در پژوهش های گذشته در ارتباط با اضطراب مرگ و رابطه آن با کیفیت زندگی و جهت گیری مذهبی.
۲. توجه به نقش کیفیت زندگی و جهت گیری مذهبی در زندگی و رابطه آن با اضطراب مرگ.
۳. افزودن به دانش بنیادی در صورت حل مسئله پژوهش.

فرضیه های پژوهش:

فرضیه اول:

بین کیفیت زندگی و جهت گیری مذهبی رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم:

بین جهت گیری مذهبی درونی با اضطراب مرگ رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم:

بین جهت گیری مذهبی بیرونی با اضطراب مرگ رابطه وجود دارد.

فرضیه چهارم:

بین کیفیت زندگی و جهت گیری مذهبی با اضطراب مرگ رابطه وجود دارد.

تعاریف مفهومی و عملیاتی واژه‌ها و اصطلاحات:

تعریف نظری متغیرها:

اضطراب مرگ: اضطراب مرگ شامل افکار، ترسها و هیجانات مرتبط با پایان زندگی است (بلسکی^{۱۸}، ۱۹۹۹).

کیفیت زندگی: ادراک فرد از وضعیت زندگی خود در عرصه فرهنگ و سیستم ارزشی که در آنجا زندگی می‌کند و در ارتباط با اهداف، انتظارات، معیارها و امور مهم زندگی قرار دارد (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۳ به نقل از مرادی، ۱۳۹۰).

جهت‌گیری مذهبی^{۱۹}: جهت‌گیری مذهبی به منزله مرجعیت بخشیدن به ساختار روابط و مناسبات انسان در تمامی ابعاد آن در پرتو رابطه انسان با خدا تعریف شده است (بهرامی و تاشک، ۱۳۸۳).

جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی: از دیدگاه آلپورت^{۲۰} افراد یا جهت‌گیری مذهبی درونی دارند یا جهت‌گیری مذهبی بیرونی، که جهت‌گیری مذهبی درونی بصورت یک چهارچوب معنا بخش است که بر حسب آن تمام زندگی فرد شناخته می‌شود؛ جهت‌گیری مذهبی بیرونی، یک روی آورد ابزاری به مذهب است که برای متناسب و شایسته نشان دادن خود بکار می‌رود (دوناهو^{۲۱}، ۱۹۸۵).

¹⁸. Belsky, J.

¹⁹. religious orientation

²⁰. Allport, G.

²¹. Donahue, M. J.

تعریف عملیاتی متغیرها:

اضطراب مرگ: نمره ای که افراد نمونه این پژوهش در مقیاس اضطراب مرگ تمپلر^{۲۲} (۱۹۷۰)، دریافت می کنند.

کیفیت زندگی: در این پژوهش، منظور نمره ای است که هر فرد در آزمون SF۳۶^{۲۳} به دست می آورد.

جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی: در این پژوهش منظور از جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی نمره ای

است که هر فرد در پرسشنامه جهت گیری مذهبی درونی و بیرونی آلپورت می گیرد.

جامعه پژوهش: افراد باسواد و دارای حداقل ۴۰ سال که در حال حاضر شهر همدان زندگی می کنند.

^{۲۲}. Templer, D.

^{۲۳}. Short Form 36